

فعالیت تعاونی‌ها در مراحل قبل و بعد از تولید موفقیت آمیز می‌باشد

شماره:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به نهضت تعاون به عنوان سرمایه‌های مشارکت مردم در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیش از پیش معطوف شد. به طوری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش تعاون در کنار بخش دولتی و خصوصی، از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد کشور برخوردار گردید و پس از آن نیز قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران به تصویب سومین دوره مجلس شورای اسلامی رسید.

اما امروز شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو هستند که رقابت آنها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده است.

به منظور بررسی جایگاه تعاون در اقتصاد، تجارت خارجی و ... موانع و مشکلات تعاونی‌ها در عرصه تولید و خدمات‌رسانی، راهکارهای توسعه سهم بخش تعاون در اقتصاد ملی و ... خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» با آقای دکتر مهدی طالب، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و مسئول تحصیلات تکمیلی این دانشکده گفت‌وگویی دارد که با هم می‌خوانیم.

دولتی است. اما نکته اصلی آن است که مدتی پس از تصویب قانون اساسی، فعالیت سازمان‌یافته‌ای برای زودن بخش تعاون در حیات اقتصادی کشور صورت گرفت و آنچه امروز در جامعه وجود دارد، با دیدگاه قانون اساسی در خصوص بخش تعاونی، فاصله زیادی دارد.

شاید یکی از اشکالات، قانون تعاون است که در مدت زمان کوتاهی در سومین دوره مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و اصولی دارد که با یکدیگر متناقض هستند. این اصول نه تنها پدیدآورنده یک بخش منسجم برای نظام اقتصادی کشور نبود، بلکه اگر اجرا می‌شد، شرکت‌های تعاونی که پیش از آن وجود داشت را نیز نابود می‌کرد و به

بخش کشاورزی است و از طریق واسطه‌ها و کسانی که محصول را از کشاورزان خریداری و سپس صادر می‌کنند، تأمین می‌شود که در واقع سهم تعاون نیست.

واقعیت این است که نه تنها جایگاه تعاون در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی مناسب است، بلکه محور قانون اساسی، بخش تعاون است. اگر برای اقتصاد کشور هر می قایل شویم، رأس آن واحدهای کوچک قرار دارد. دولت واحدهای بزرگ نظیر بانک‌ها، معادن و ... را اداره می‌کند و پس از آن جایگاه و سهم بخش تعاون است.

حقوقدانان و صاحب‌نظران اقتصادی بر این عقیده پایبند هستند که بخش خصوصی مکمل دو بخش تعاونی و

■ با وجود فضای قانونی برای اقتصاد تعاون در کشور (ماده ۴۳ قانون اساسی) و تصویب قانون تعاون، سهم بخش تعاونی در اقتصاد ایران ناچیز است و گفته می‌شود که در سطح ۵ درصد می‌باشد. به نظر شما علت این امر چیست و چه راهکارهایی را برای گسترش این سهم پیشنهاد می‌کنید؟

□ به نظر من سهم ۵ درصدی بخش تعاون در اقتصاد ملی، واقعی نیست، تصور می‌کنم حتی اگر سهم تعاون در اقتصاد ملی به ۲ درصد بالغ شود، توفیق زیادی است.

علت این تفاوت نیز در تعریف قراردادی که از بخش تعاون داریم، نهفته است. برای مثال بخشی از سهم ۵ درصدی تعاون در اقتصاد ملی مربوط به

همین جهت جلوی اجرای اصول قانون تعاون گرفته شد.

برای مثال در قانون گذشته آمده بود که سهام افراد در تعاونی همواره به قیمت اسمی مبادله می‌شود و ارزش اضافی سهم، مالکیت عمومی داشت و فقط تا زمانی که شخص عضو تعاونی بود، می‌توانست از مزایای آن استفاده کند. اما در قانون تعاون سهم افراد به روز محاسبه می‌شود، البته افرادی نیز از این قانون استفاده کردند و با عضویت در تعاونی‌ها و فروش نقدی سهامشان، پول‌های هنگفتی به دست آوردند. مسئولان نیز به همین جهت، اجرای قانون را متوقف کردند.

ارزش اسمی سهام در تعاونی‌ها به ارزش روز تبدیل شده و قیمت روز را کارشناس تخمین می‌زند.

■ گفته می‌شود که سهم بخش تعاون در صادرات غیرنفتی حدود ۲۰ درصد است، اما توانمندی‌های موجود بیش از این حد می‌باشد. به نظر شما چگونه می‌توان این سهم را افزایش داد؟

□ اعتقاد ندارم که سهم بخش تعاون در صادرات غیرنفتی ۲۰ درصد باشد. اگر دولت صادرات محصول خاصی را منوط به صدور از طریق شرکت‌های تعاونی نمی‌کرد، این عدد می‌توانست صحیح باشد، اما وقتی دولت اعلام کند که اجازه صدور کالای خاصی را مگر به تعاونی‌ها نمی‌دهد، عده‌ای برای صدور آن کالا تعاونی تأسیس می‌کنند. اما زمانی که دولت این رویه را رها کند، آن تعاونی‌ها هم از هم می‌پاشد.

در گذشته نه‌چندان دور، دولت تجارت خارجی را در انحصار داشت و کالا وارد می‌کرد و از طریق تعاونی‌ها آن را توزیع می‌کرد. همین امر سبب شد که

شرکت‌های تعاونی مثل قارچ روییدند. اما پس از آنکه دولت واردات را به بخش خصوصی واگذار کرد، آن تعاونی‌ها نیز منحل شدند.

اگر صدور کالا در انحصار تعاونی‌ها نباشد، آنگاه ارقام صادرات در قالب شرکت‌های تعاونی، ارقام واقعی خواهد بود.

اگر تعاونی‌ها بر اساس تعریف واقعی آن فعالیت کنند، نقش و سهم آنها در اقتصاد کشور بیش از ۲۰ درصد خواهد بود.

■ تعریف موردنظر شما از تعاونی چیست؟

□ تعاونی فلسفه دارد و می‌گوید به میدان آمده‌ام تا از طریق حذف واسطه‌های اضافی، سود نهایی تولیدکننده و مصرف‌کننده را افزایش دهم. تعاونی‌های تولیدی را باید تولیدکنندگان واقعی تشکیل دهند، نه واسطه‌ها. اما در شرایط کنونی چون حفظ واسطه‌ها اهمیت دارد، جامعه تعاونی به تن واسطه‌ها می‌پوشانیم و آنها را رسمی می‌کنیم.

■ به نظر شما بخش تعاون در اقتصاد ایران چه جایگاهی می‌تواند کسب کند و راه‌های حصول به آن چیست؟

□ در اقتصاد ایران در واقع چهار بخش داریم، اما در قانون اساسی سه بخش دیده شده است. اول بخش دولتی که تعریف آن در قانون اساسی آمده است. دوم بخش سرمایه‌داری که ویژگی آن استخدام نیروی کار از سوی صاحب سرمایه است، سوم بخش خصوصی که در آن صاحب سرمایه و نیروی کار یکی است، مانند واحدهای کوچک که اعضای خانواده آن را اداره می‌کنند، بدون آنکه کارگر یکدیگر محسوب شوند. چهارم بخش تعاونی که توأم‌دهنده بخش

خصوصی است. اگر بخش تعاونی به سمت سرمایه‌داری برود، ویرانگر خواهد بود. اما این تعاریف در ایران رعایت نمی‌شود و بخش خصوصی و سرمایه‌داری از یکدیگر تفکیک نمی‌گردد. بنابراین جای بخش تعاون نیز به درستی در اقتصاد ایران معلوم و مشخص نیست.

از لحاظ نظری تصور می‌کنیم جایگاه تعاونی، پیونددهنده و یکپارچه‌کننده بخش خصوصی است.

در قانون تعاون، تعریف روشنی از عضو تعاونی وجود ندارد، به عبارتی یک شرکت با میلیاردها تومان می‌تواند عضو تعاونی باشد، و یک نفر با سرمایه صد تومان نیز می‌تواند عضو تعاونی گردد.

قانون تعاون مصوب سال ۱۳۷۰ اشکالات ساختاری دارد.

■ با توجه به مشارکت مردم در تعاونی‌ها، گسترش فرهنگ تعاون و زمینه‌های رشد فعالیت‌های تعاونی‌ها چگونه میسر می‌شود؟

□ گسترش زمینه فعالیت تعاونی‌ها از طریق حذف مداخله دولت میسر می‌گردد. در ایران به مفهوم واقعی، تعاونی وجود ندارد، بلکه تمام اذهان مترصد آن است که دولت چه امتیازی به تعاونی‌ها می‌دهد تا از آن استفاده شود. در اثر این سیاست، تعاونی‌ها متورم می‌شوند و زمانی که دولت حمایت از تعاونی‌ها را رها کند، آنها فرومی‌ریزند.

در دیگر کشورهای جهان، شروع فعالیت تعاونی‌ها را دولت باعث شده است، اما به مجرد آنکه آنها توانستند در مسیر عادی خود قرار گیرند، دولت آنها را آزاد گذارده است. اما در ایران دولت از سال ۱۳۱۶ تاکنون در حال فعال کردن تعاونی‌هاست و هیچ‌گاه آنها را آزاد نگذارده است.

تصور می‌کنم اشکال گسترش فرهنگ تعاونی در کشور، مداخله دولت است. ایجاد وزارت تعاون مداخله دولت در امر تعاون است.

در کشورهای ژاپن و فنلاند که تعاونی‌های قدرتمندی دارند، شروع فعالیت را دولت باعث شد. اما پس از یک یا دو دهه آنها را آزاد گذارد.

در فنلاند نه تنها وزارت تعاون، بلکه یک اداره کوچک تعاونی که از سوی دولت راه‌اندازی شده باشد، وجود ندارد. در این کشورها، تعاونی‌ها واقعاً نقش مردمی دارند و توسط مردم اداره می‌شوند و بسیار قدرتمند نیز عمل می‌کنند. در این کشورها تعاونی محصولات کشاورزی، نشان‌دهنده عضویت ۹۹/۹ درصد کشاورزان است و هیچ‌کس نمی‌تواند منافع آنها را تهدید کند.

اگر تعاونی به معنای واقعی در ایران فعالیت کند و از تبصره‌های مختلف بودجه دولت استفاده نکند، حضور مردم و مشارکت مردم در تعاونی‌ها، حضوری واقعی خواهد بود.

■ آیا شرکت‌های تعاونی می‌توانند در رفع مهم‌ترین دغدغه اقتصادی کشور (بیکاری) کارساز باشند؟

[۱] تعاونی‌ها نقش بسیار مهمی در ایجاد اشتغال دارند. مشروط بر آنکه با استقلال و آزادانه فعالیت کنند.

■ به نظر شما مشکلات عمده‌ای که بخش تعاون با آن روبه‌رو است، کدامند و چگونه قابل حل خواهند بود؟

[۱] عمده‌ترین مانع گسترش بخش تعاون، نبود تعریف صحیح از رابطه دولت با تعاونی‌ها است. دولت به عنوان تنظیم‌کننده قوانین مناسب و مرتفع‌کننده مشکلات، می‌تواند نقش مطلوبی در گسترش زمینه فعالیت تعاونی‌ها داشته

باشد. اما در حال حاضر دولت رابطه صحیحی با تعاونی‌ها ندارد.

فرهنگ تعاون در ایران وجود دارد. نظام‌هایی در ایران هست که تعاونی است. برای مثال در جامعه روستایی ایران، یک جوان با هزینه جامعه ازدواج می‌کند، مدعوین عروسی با پرداخت پول به عنوان هدیه، نه تنها مخارج عروسی جوان را تأمین می‌کنند، بلکه مبالغی نیز برای او باقی می‌ماند و این یک اصل واقعی تعاون است.

قوانین و مقررات حاکم بر تعاونی‌ها، با فرهنگ ایرانی همخوانی ندارد.

■ به نظر شما گسترش فرهنگ تعاون در جامعه چگونه می‌گردد؟

[۱] برای اشاعه فرهنگ تعاون در جامعه می‌بایست روی سه گروه کار شود. اول دانشگاه که می‌بایست کارشناس و کارشناس ارشد رشته تعاون تربیت کند که فرهنگ‌سازی تعاون را انجام دهند. البته این امر با توجه به دروس دانشگاه‌های کنونی مصداق نمی‌یابد و باید یک مؤسسه دانشگاهی برای تعاون ایجاد شود که به‌طور مستقل آموزش تعاون بدهد. این محیط آموزش مستقل باید از دیگر کشورها الگوبرداری کند و راه‌های اشاعه فرهنگ تعاون را ترویج دهد.

گروه دوم اعضای تعاونی‌ها هستند که باید وزارت تعاون، قوانین و مقررات را به آنان آموزش دهد.

سوم مردم می‌باشند که باید از طریق رسانه‌های گروهی آموزش ببینند. در حال حاضر وزارت تعاون، آموزش‌های مختصری در زمینه حسابداری و قوانین و مقررات ارائه می‌کند.

در کانادا، نهضت تعاون از دانشگاه شروع شد و سپس آموزش تخصصی تعاون در سطح تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و

رهبران تعاونی به صورت علمی ارائه شد و اکنون شرکت‌های تعاونی در این کشور با مشکلی مواجه نمی‌باشند. اگر تعاونی‌ها در ایران بخواهند رشد کنند، باید دنبال منافع واقعی خودشان باشند.

■ نقش تعاونی‌های تولیدی در شکوفایی اقتصادی چیست و چگونه می‌تواند این نقش گسترش پیدا کند؟

[۱] تصور می‌کنم تعاونی در درون تولید نمی‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. اما قبل از تولید (تهیه مواد اولیه، ابزار و وسایل، آموزش و...) و پس از تولید (بسته‌بندی، بازاریابی، فروش و...) تعاونی‌ها می‌توانند نقش مؤثری داشته باشند. از آنجا که در تولید باید مالکیت بسیار محکم‌تر از تعاونی باشد، تعاونی‌ها نمی‌توانند در درون تولید نقش مؤثری داشته باشند. در دیگر نقاط جهان نیز بخش تعاون در درون تولید ناموفق بوده است. با علم به اینکه با هم تولید کردن، میزان تولید را بالا می‌برد، اما روحیه افراد با این امر تناسب ندارد و با فرهنگ افراد همخوانی ندارد. این امر در بخش‌های مختلف مانند صنعت، کشاورزی، دامپروری، شیلات، معدن و خدمات بازرگانی نیز صادق است.

برای مثال در بخش کشاورزی، اگر کشاورزان برای تهیه نهاده‌ها (بذر، کود، سم، ماشین‌آلات و...) از طریق تعاونی عمل کنند و در مرحله بسته‌بندی و فروش نیز به صورت تعاونی فعالیت کنند، موفق خواهند بود، اما در زمین یکدیگر نباید دخالت کنند. کشاورزان برای تهیه نهاده‌ها و فروش محصول هنگام برداشت به لحاظ ضعف بنیه مالی شخصی سراغ واسطه‌ها می‌روند و از همین ناحیه ضربه می‌خورند. در حالی که از طریق تعاونی، به سهولت می‌توانند مشکلات قبل و بعد از تولید خود را حل

کنند.

در بخش صنعت نیز پس از پیروزی انقلاب، حدود ۳۰ هزار تعاونی صنعتی با پول دولت ایجاد شد. اما اکنون هیچکدام آنها باقی نمانده‌اند، زیرا اعضایشان نتوانستند در درون تولید با یکدیگر کنار بیایند. البته تجربه نشان داده است که هیچ نقطه‌ای از جهان، اعضای تعاونی در درون تولید نتوانسته‌اند با یکدیگر کنار بیایند.

■ مشکلات مدیریتی که شرکتهای تعاونی با آن روبه‌رو هستند، چگونه قابل حل و فصل است و چگونه مدیریت تعاونی می‌تواند در ارائه خدمات به اعضا و سودآوری، متحول شود؟

□ تعاونی‌ها در

ایران با سه بحران که شامل بحران رابطه بسا دولت، بحران مالی و بحران مدیریت است، روبه‌رو می‌باشند. در

بخش تعاون، مدیران قوی و حرفه‌ای وجود ندارد. مدیران تعاونی‌ها برنامه‌ریزی نمی‌دانند و به همین جهت در تلاطم‌ها نمی‌توانند فعال باشند. در نتیجه فقط دنبال رانت‌جویی هستند تا امتیازات کسب شده را میان اعضا تقسیم کنند. آنها حتی راه حفظ رانت و بهره‌برداری بهینه از آن را نمی‌دانند.

امروز «مدیریت» یکی از عوامل تولید است که باید بهای آن را پرداخت، اما اعضای تعاونی‌ها حاضر نیستند که حقوق درخور توجه برای مدیر توانا بدهند تا تعاونی را اداره کند.

■ آیا دانشگاه‌ها می‌توانند در ارتقاء فرهنگ تعاون و بهبود قدرت مدیریتی تعاونی‌ها کمک کنند؟

□ دانشگاه‌ها می‌توانند در ارتقاء

فرهنگ تعاون و قدرت مدیریت تعاونی‌ها نقش داشته باشند. کما اینکه این نقش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی خیلی از کشورها مشاهده شده است.

امسا دانشگاه‌های کنونی ایران نمی‌توانند این نقش را ایفا کنند و برای ایفای آن باید آماده شوند. آموزش‌های لازم در رشته تعاون در دانشگاه‌ها ارایه نمی‌شود. تربیت‌شدگان کنونی، کارشناسان علوم اجتماعی هستند که ۳۰ تا ۴۰ واحد درس تعاون خوانده‌اند و از علوم مدیریت، حسابداری و فعالیت‌های فنی بی‌بهره می‌باشند. این فارغ‌التحصیلان برای استخدام در وزارت تعاون و آموزش دادن تعاون مناسب

○ به عقیده محققان، بخش خصوصی مکمل دو بخش دولتی و تعاونی است. اما آنچه امروز در جامعه وجود دارد، با دیدگاه قانون اساسی در خصوص بخش تعاون فاصله زیادی دارد.

می‌باشند.

تجدیدنظر برای تربیت کارشناس تعاون ضروری است تا معلم و برنامه‌ریزی تعاون برای بخش تعاون کشور تربیت کنند. در ایران هنوز کارشناسی ارشد تعاون وجود ندارد.

■ آیا رقابت در بخش تعاون را

جایز می‌داند؟

□ در حسال حاضر رقابتی در بین تعاونی‌ها در ایران وجود ندارد، اگر اجازه رقابت بین تعاونی‌ها داده شود، سازندگی در آنها به‌وجود می‌آید. اما دولت تعاونی‌ها را نساتوان می‌داند و از آنها حمایت می‌کند و در این شرایط، ایده رقابت، رشد پیدا نمی‌کند. اگر تعاونی‌ها بخواهند رشد کنند، نه تنها با خود، بلکه

باید با بخش خصوصی رقابت کنند.

■ آیا بانک تعاون می‌تواند بحران

مالی تعاونی‌ها را مرتفع سازد؟

□ اگر مقصود جمع‌آوری سپرده‌های

اعضای تعاونی‌ها باشد که این سپرده‌ها زیاد نیستند. اگر مراد آن است که بانک تأسیس شود و دولت منابع آن را تأمین کند و بانک تعاون، توزیع منابع را انجام دهد که بانک‌های دیگر نیز می‌توانند چنین کاری را انجام دهند.

به نظر من مراد از تأسیس بانک تعاون خیلی مشخص نیست. اما در دنیا بانک تعاون یعنی بانکی که تعاونی‌ها تشکیل داده‌اند و دولت نقشی در آن ندارد و تعاونی‌ها حساب‌های خود را در آن باز می‌کنند که از محل این حساب‌ها، منابعی

جمع می‌شود که به تعاونی‌ها اعتبار و تسهیلات می‌دهند. با قانون کنونی تعاون که با قانون تجارت فرق اساسی دارد، بانک

تعاون نمی‌تواند نیازهای مالی تعاونی‌ها را پاسخ دهد.

■ برای بهبود قانون تعاون چه

پیشنهادی دارید؟

□□ باید یک بار دیگر تعاونی‌ها

تعریف و بازنگری شوند و با اهداف اولیه که در قانون اساسی وجود دارد، انطباق یابند. ماهیت، شیوه فعالیت و حدود فعالیت آنها بازنگری شود. تعاونی‌های کنونی انگل دولت هستند و اگر اعطای اعتبارات دولت به آنها قطع شود، فرومی‌ریزند. باید راهی را پیمود که استقلال، آزادی، ارتقاء سطح زندگی مردم و رشد اقتصادی تحصیل شود.

